

# واکاوی شیوه‌های عملکرد آصف‌محسنی در تعامل با تعارضات نجاشی و طوسی

مجید زیدی جودی<sup>۱</sup>

علی حسن بگی<sup>۲</sup>

علیرضا طیبی<sup>۳</sup>

ابراهیم ابراهیمی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱

DOI: 10.22051/tqh.2019.23056.2229

## چکیده

نجاشی و شیخ طوسی از رجالیان مشهور شیعه هستند، بعد از تاسیس مدرسه حلّه و اعتبارسنجی حدیث بر پایه سند، آراء رجالی نجاشی و شیخ طوسی از اهمیت فراوانی برخوردار گردید. نجاشی و شیخ طوسی بنا بر وظیفه علم رجال، که تعیین وثاقت و ضعف راویان است؛ در کتب خود به برخی جرح و تعدیل‌ها اشاره کرده‌اند. ولی گاهی اوقات آرائشان در مورد وثاقت و ضعف یک راوی متعارض شده است. در همین راستا این نوشتار با روش تحلیلی-توصیفی درصدد بررسی چگونگی مواجهه و تعامل آصف‌محسنی از رجال‌پژوهان معاصر با این تعارض‌ها برآمده است. در نهایت این نتیجه حاصل شد که نحوه مواجهه با تعارضات نجاشی و شیخ طوسی، قاعده و قانون خاصی ندارد بلکه بستگی به استنباط و اطمینانی دارد که برای شخص مجتهد و رجال‌پژوه به وجود می‌آید. در ضمن هیچ دلیلی محکمی برای ترجیح آراء نجاشی بر شیخ طوسی در دست نیست و نحوه تعامل نسبت به راویان بر حسب اطمینانی که برای پژوهشگر حاصل می‌شود متفاوت است.

واژه‌های کلیدی: علم رجال، تعارضات، نجاشی، طوسی، آصف‌محسنی

---

<sup>۱</sup>. دانشجوی دوره دکترای رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک ایران(نویسنده مسئول)/

[majidjody@gmail.com](mailto:majidjody@gmail.com)

<sup>۲</sup>. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه اراک، اراک، ایران/

[a-hasanbagi@araku.ac.ir](mailto:a-hasanbagi@araku.ac.ir)

<sup>۳</sup>. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه اراک، اراک، ایران/

[a-tabibi@araku.ac.ir](mailto:a-tabibi@araku.ac.ir)

<sup>۴</sup>. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه اراک، اراک، ایران/

[dr.e.e978@gmail.com](mailto:dr.e.e978@gmail.com)

## ۱- مقدمه و طرح مسأله

از گذشته تاکنون آراء و نظرات دو رجالی معروف، نجاشی و شیخ طوسی مورد توجه اندیشه‌وران در ارزیابی اسناد بوده است. به خصوص با شکل‌گیری مدرسه حلّه و مبنا قرار گرفتن تقسیم‌بندی چهارگانه حدیثی (صحیح، موثق، حسن و ضعیف) نقش اقوال آن دو در تعیین حجیت احادیث، افزایش یافته است. شیخ طوسی و نجاشی بنا بر وظیفه علم رجال که تعیین وثاقت و ضعف راویان است در کتب خود به برخی جرح و تعدیل‌ها اشاره کرده‌اند. نجاشی و طوسی هر چند به طور گسترده به اعتبار و احوال راویان اشاره نکرده‌اند اما همین موارد محدود نیز توانسته یاریگر محققان در اعتبارسنجی اسناد احادیث باشد. لیکن در برخی موارد آراء این دو رجالی درباره یک راوی متعارض شده است. در همین راستا این نوشتار درصدد بررسی نحوه تعامل و مواجهه آصف‌محسنی با این موارد اختلاف و تعارض است. تا مشخص شود آیا آصف‌محسنی در موارد متعارض به شیوه یکسان و واحدی عمل کرده یا خیر؟ دیگر آن که آیا این قول معروف که در مقام تعارض، نجاشی به خاطر ضابط بودن مقدم بر شیخ طوسی هست مورد تایید آصف‌محسنی می‌باشد یا نه؟ برای تحقق این مطلب ابتداء شیوه تعامل اندیشه‌وران شیعه با تعارضات نجاشی و شیخ طوسی را بررسی سپس به طور خاص چگونگی مواجهه آصف‌محسنی را بررسی خواهیم کرد. برای اینکه نوشتار نظم دقیقی بگیرد راویانی که آراء نجاشی و طوسی در مورد آنها متعارض بود را از کتب این دو استخراج و سپس چگونگی مواجهه با آنها بررسی خواهد شد. همچنین دلائلی که از نظر آصف‌محسنی موجب بروز تعارض در آراء نجاشی و شیخ طوسی شده را ذکر کرده و موضع‌گیری وی درباره نظریه مشهور (تقدم نجاشی بر طوسی) مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۲- پیشینه موضوع

در کتب رجالی و اصولی در هنگام طرح مبحث تعارض و تراجم، اشاراتی به تعارض اقوال رجالیان و چگونگی مواجهه با آن شده است. اما راجع به تعارض آراء نجاشی و طوسی به طور خاص مبحثی مطرح نشده، تنها هنگام بررسی راویانی که اقوال این دو درباره آنان متعارض شده بحث‌های پراکنده‌ی مطرح شده است. همچنین مقاله‌ی با عنوان «مبنای ملاک‌های ترجیح اقوال رجالیون در تعارض جرح و تعدیل» (میثم مطیعی) نوشته شده است که در آن تعارض اقوال رجالیان به طور عام بررسی شده است. اما در این نوشتار به طور خاص تنها تعارض نجاشی و شیخ طوسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۳- رویکرد اندیشه‌وران در تعارض نجاشی و شیخ طوسی

اندیشه‌وران به شیوه‌های گوناگونی درصدد حل تعارضات نجاشی و شیخ طوسی برآمده‌اند. برخی که اکثریت را نیز تشکیل می‌دهند به شخصیت رجالی توجه داشته برخی نیز به گفته این دو رجالی نظر داشته‌اند. این شیوه‌های متعدد را با پیگیری افرادی که قول نجاشی و طوسی درباره آنان متعارض شده بود، استخراج و به صورت دسته‌بندی ارائه خواهد شد.

### ۳-۱- قرائن تقویت کننده

برخی رجالیان گفته‌اند در حالت اجتماع جرح و تعدیل بین قول جارح و معادل تعارض واقع می‌گردد، بنابراین، تقدّم و ترجیح هر یک از جرح و تعدیل بر دیگری، منوط به وجود مرجح است. این افراد برای ترجیح یکی از دو نظر شیخ طوسی یا نجاشی از قرائنی بهره گرفته‌اند که به آنان در تقویت دیدگاه یکی از دو رجالی و تضعیف نظر دیگری یاری رساند. از جمله این قرائن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: وجود روایت در مدح یا قدح راوی، تتبع و استقراء روایات راوی، وجود نشانه حاکی از امامی بودن در روایات وی، نقل و اعتماد بزرگان از اصحاب بر وی، جزء راویان «نوادرالحکمه» یا «تفسیر قمی» بودن و قرائن دیگر، در زیر به برخی راویان که دیدگاه نجاشی و شیخ طوسی در مورد آنها متعارض بوده ولی اندیشه‌وران با کمک قرائن نظر یکی را ترجیح داده‌اند، اشاره می‌شود:

"غیاث بن ابراهیم" را نجاشی ثقه (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۳۰۵) ولی شیخ طوسی او را بتری<sup>۵</sup> مذهب (طوسی، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۴۲) دانسته است. ظاهراً عبارات نجاشی و طوسی در مورد راوی متعارض به نظر می‌رسد. شبیری زنجانی رجالی معاصر برای حلّ این مسئله از قرائن مدد گرفته است، بدین صورت که با کاوش در رجال اهل سنت به این نتیجه رسیده که "غیاث بن ابراهیم" مشترک بین دو راوی است؛ یکی "غیاث بن ابراهیم نخعی" که عامی مذهب است و دیگری "غیاث بن ابراهیم تمیمی" که شیعی است، بنابراین منشأ قضاوت طوسی درباره مذهب راوی را خلط و توهمی می‌داند که برای شیخ طوسی رخ داده و "غیاث بن ابراهیم نخعی" را با تمیمی خلط کرده است. سپس با استفاده از یکسری قرائن وثاقت و امامی بودن راوی را ثابت و تعارض را برطرف می‌نماید. از جمله اینکه: الف) با تأمل در روایاتش امامی بودن وی قابل استفاده است. ب) در روایات منقول از او به جای علی (ع) لفظ امیرالمومنین به کار رفته است. ج) از مشایخ ابن ابی عمیر است. ج) کتابش را جماعتی از امامیه روایت می‌کنند. د) کلینی به او اعتماد کرده است. ه) بزرگانی چون صدوق و مفید و شیخ طوسی با اینکه قریب العهد به او بوده در هیچ جا روایت او را ردّ نکرده‌اند. (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹۹)

"سهل بن زیاد" شیخ طوسی در کتاب رجالی اش وی را توثیق کرده (طوسی، ۱۳۷۳ ش، ص ۳۸۷) ولی نجاشی او را ضعیف در حدیث و بی‌اعتماد دانسته و گفته احمد بن محمد بن عیسی اشعری او را غالی و دروغگو دانسته و از قم اخراج کرده است. (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۸۵) ظاهراً بین نظر نجاشی و شیخ طوسی در اعتبار روایی وی تعارض وجود دارد. اندیشمندی برای حل تعارض موجود از قرائن استفاده کرده و نظر شیخ طوسی را قوی تر دانسته است. از جمله اینکه روایات زیادی نزدیک به ۲۳۰۰ روایت از وی در منابع حدیثی وجود دارد دیگر آنکه کلینی بر او اعتماد کرده و نیز اینکه اندک روایتی از روایات وی شاذ و نادر هست. (قمی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۰۲)

۵. از زیر شاخه‌های فرقه زیدیه هستند که امام علی (ع) را افضل صحابه می‌دانند و معتقدند که خلافت حق ایشان بود، ولی قابل انتقال به دیگری بوده است و حضرت بر اساس مصالحی حق خود را به ابو بکر تفویض کرده و لذا خلافت او قانونی و شرعی بوده است. (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۸۲)

### ۲-۳- ترجیح نجاشی بر طوسی

یکی دیگر از راههایی که رجالیان برای حل تعارض اقوال رجالی ذکر کرده‌اند رجوع به صفات و ویژگی‌های جارح و معدّل است. بدین معنا که هر کدام از دو طرف، صفات و ویژگی‌های برجسته‌تری داشت نظرش بر دیگری ترجیح دارد. (خاقانی، ۱۳۶۲ش، ص ۵۶؛ میرداماد، ۱۳۱۱ق، ص ۱۰۴) طرفداران این نظر غالباً کسانی هستند که قول رجالی را از باب خبرویت و کارشناسی می‌دانند. راجع به تعارض نجاشی و طوسی نیز اعتقاد بر این است که نجاشی از شماری برجستگی‌ها برخوردار است بنابراین دیدگاه وی را بر شیخ طوسی ترجیح داده‌اند. در کتاب‌های حدیثی و رجالی تعدادی اسباب و دلایل برتری برای نجاشی ذکر شده که به نظر می‌رسد ابتداء بحرالعلوم در کتاب رجالی‌اش این دلایل را ذکر و دیگران از وی اخذ کرده باشند. از جمله دلایل می‌توان به این موارد اشاره کرد: الف) نگارش زودتر کتاب رجال و فهرست شیخ طوسی نسبت به رجال نجاشی، که این فرصت را برای نجاشی فراهم کرد تا بتواند کاستی‌ها و نقائص کتابش را به حداقل برساند. ب) کثرت مشاغل و تنوع علوم شیخ به وی اجازه دقت و فراغت بال بیشتر در رجال را نمی‌داد برخلاف نجاشی که تنها در رجال تخصص داشت. ج) نجاشی نسب‌شناسی توانا بوده و نسبت به خاندان و قبایل عرب آشنایی و در این زمینه صاحب تألیف است در حالی که طوسی در نسب راویان دچار توهم و اشتباه شده است. د) در کتاب رجال شیخ تکرار و اغلاط و حتی آراء متعارض زیاد است. ه) نجاشی اهل کوفه بوده و اکثر راویان نیز کوفی بوده‌اند بنابراین شناخت آنان و ملاقات با آنان برای وی راحت‌تر بوده است. و) نجاشی به خاطر تقدّم زمانی توانسته محضر اساتید فن رجال مانند ابن غضائری، ابن نوح سیرافی و ابوالفرج محمدبن علی الکاتب و دیگران را درک کند. ز) رجال نجاشی تفصیل بیشتری دارد و به کنیه، القاب و موارد دیگر اشاره کرده است. (نوری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۴۹؛ سند، ۱۴۲۹ق، ص ۳۱۸؛ بحرالعلوم، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۴۶) این دلایل و دلایل دیگر باعث شده برخی نجاشی را بر شیخ طوسی مقدم بدانند. در زیر برخی راویان که آراء نجاشی و طوسی درباره آنان متعارض ولی محققان نظر نجاشی را مقدم داشته‌اند. اشاره می‌شود:

"فضل بن یونس" را نجاشی ثقه (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۰۹) ولی شیخ طوسی او را واقفی دانسته است. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۴۲) محقق سبزواری، عاملی و اشتهاردی به هنگام مواجهه با این اختلاف، نظر نجاشی را ترجیح داده‌اند؛ با این استدلال که نجاشی ضبط و دقت نظر قوی‌تری نسبت به شیخ طوسی داشته و در نتیجه "فضل بن یونس" را ثقه و امامی می‌دانند. (سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج ۲، ص ۱۸۷؛ عاملی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۸۷؛ اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۱۳۰)

نجاشی "اباصلت هروی" را ثقه و صحیح الحدیث دانسته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۴۵) ولی شیخ طوسی او را عامی مذهب می‌داند. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۶۰) نراقی رأی و نظر نجاشی را بر شیخ طوسی ارجح می‌داند و عامی بودن را از اباصلت دور می‌داند. (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۵۲۴)

### ۳-۳- جمع بین دو دیدگاه

در برخی موارد تعدادی از عالمان رجالی به وثاقت یک راوی حکم کرده‌اند در مقابل، عدّه دیگر انحراف عقیدتی راوی را ذکر کرده‌اند. در احوال و اعتبار چنین راویانی، گروهی بر این هستند که بایستی بین دو نظر جمع صورت بگیرد یعنی بین وثاقت و واقفی جمع صورت بگیرد و راوی موثق به شمار آید. با این استدلال که رجالیان وقتی اشاره به انحراف نکرده‌اند بدان جهت بوده که از انحراف عقیدتی راوی مطلع نشده‌اند حال در مقایسه با دیگرانی که انحراف را در حق راوی ثابت دانسته‌اند بهتر است امر اثباتی را اتخاذ کنیم و راوی را موثق بدانیم به عبارت دیگر وقتی امر دائر شد بین نظر کسانی که به انحراف عقیدتی راوی آگاه نشده و افراد که راوی را منحرف دانسته‌اند امر اثباتی اتخاذ می‌شود. حال که عقیده راوی مشخص شد با وثاقت جمع و راوی موثق به شمار می‌آید. (نراقی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۲۰؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۵، ص ۵۰۸) گروه دیگر بر این نظر اشکال کرده‌اند که وقتی رجالی تنها وثاقت را ذکر و اشاره به انحراف نکرده حاکی از آن است که راوی نزد وی در استقامت به سر می‌برده است حال که قضیه دائر بین دو امر اثباتی شد (یکی راوی را منحرف دیگری مستقیم) بایستی یا به قرائن رجوع شود که کدام نظر برتری دارد یا نظری اتخاذ شود که اکثریت به آن قائلند یا نظر رجالی ضابطتر اخذ شود. (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۹۳؛ سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج ۲، ص ۱۸۷؛ مامقانی، بی تا، ج ۲، ص ۶۷) نجاشی و شیخ طوسی نیز در مورد برخی راویان چنین اختلافی دارند که به برخی اشاره می‌شود:

"داود بن حصین" را شیخ طوسی واقفی دانسته (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۳۶) ولی نجاشی او را ثقه به حساب آورده است. (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۵۹) برخی از اندیشه‌وران بین دو دیدگاه جمع کرده و راوی را ثقه واقفی می‌دانند و بدین ترتیب احادیثی که "داود بن حصین" در سلسله سند آن‌ها می‌باشد را موثق به حساب می‌آورند (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۳۲۳؛ عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۵۹۸) شایان ذکر اینکه، موثق شمردن روایت باعث می‌شود در صورت تعارض با روایت صحیح، یارای مقاومت نداشته و در نتیجه به روایت صحیح عمل شود

شیخ طوسی "سماعه بن مهران" را واقفی دانسته (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۳۷) ولی نجاشی او را توثیق کرده است. (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۹۳) عبارات نجاشی و طوسی متعارض به نظر می‌رسد. یکی از نویسندگان بین نظر نجاشی و شیخ طوسی جمع کرده و راوی را ثقه واقفی و سند را موثق می‌داند. (قمی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۱۰۸)

### ۳-۴- توقف در اعتبار راوی

شماری از محققان چون نتوانسته‌اند بین دو نظر متعارض نجاشی و شیخ طوسی یکی را برگزینند در مورد راوی توقف کرده‌اند و روایاتی که چنین راوی در زنجیره سندی آن باشد را بی اعتبار به حساب آورده‌اند.

"سعد بن طریف" را شیخ طوسی دارای احادیث صحیح (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۱۵) ولی نجاشی او را دارای احادیث صحیح و منکر می‌داند. (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۷۸) خوئی عبارات نجاشی و طوسی را متعارض دانسته و راوی و روایاتی که وی در سند آنها باشد را نامعتبر بر شمرده است. (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۱۴۵)

"حسن بن حسین لؤلؤی" نجاشی او را توثیق کرده (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۴۰) ولی شیخ طوسی او را تضعیف کرده است. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۴۲۴) عاملی چون نتوانسته هیچ یک از دو دیدگاه را ترجیح بدهد در مورد راوی توقف کرده است.

(عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۴۶) نراقی نیز گفته: چون اقوال نجاشی و شیخ طوسی در مورد "حسن بن حسین لؤلؤی" تعارض داشته و به شاهی برای ترجیح یکی از دو طرف دست نیافتیم در مورد راوی توقف می‌کنم. (نراقی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۷۳)

### ۳-۵- پذیرش رأی اکثریت رجالی‌ها

صورت دیگری از حل تعارض جرح و تعدیل، ترجیح قولی است که تعداد بیشتری از رجالیان به آن تمایل داشته‌اند با این استدلال که هر چه قدر تعداد بیشتری از رجالیان بر یک نظر باشند ظن قوی‌تری ایجاد می‌کند و گمان به حُسن حال آنان و صحّت خبر آنان را افزایش می‌دهد، و بر عکس، تعداد کم طرفداران نظر دیگر، گمان به حُسن حال آنان را کاهش می‌دهد و بالطبع، سبب کاهش اعتماد به خبر آنان می‌شود، و واضح است که در حالت تعارض، عمل به ظن و گمان قوی‌تر، ارجح و واجب است، چنان که در تعارض دو حدیث، این گونه است. این گروه قول رجالی را از باب شهادت می‌دانند شیخ بهائی و نقوی هندی از طرفداران این نظر هستند (شیخ بهائی، ۱۳۹۰ق، ص ۵؛ حافظیان، ۱۳۸۲ش، ص ۴۳۸؛ عاملی، بی تا، ج ۱۰، ص ۵۰) اشکالی که بر این قول وارد است اینکه قول اکثریت اگر چه احتمال صدق را افزایش می‌دهد لکن دلیل حجیت قول دیگر را نفی نمی‌کند بلکه قول دیگر همچنان به حجیت خودش باقی می‌ماند مگر این که قول رجالیان را از باب ظن اجتهادی بدانیم یا این که اکثریت در حدی زیاد باشند که از اکثریت آنان اطمینان حاصل شود. این گروه در موقع تعارض قول نجاشی و طوسی نیز گرایش به قول و نظری دارند که تعداد بیشتری از رجالیون بر آن شهادت داده باشند حال یا از رجالیان پیش از نجاشی و طوسی مانند کشی، فضل بن شاذان، ابن نوح، ابن غضائری و ابن عقده یا رجالیان متاخر مانند علامه حلی، صدوق و سیدین طاووس، هر جایی را که تعداد بیشتر باشد را مبنای عمل قرار می‌دهند.

"محمد بن عیسی بن عبید یقطینی" نجاشی او را ثقه، بیش روایت و از بزرگان اصحاب می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۳۳) ولی شیخ طوسی او را ضعیف دانسته است. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۹۱) گیلانی و شوشتری معتقدند هر چند سخن نجاشی و شیخ طوسی در مورد راوی متعارض است اما چون اکثر رجالیان مانند فضل بن شاذان، ابن نوح، میرداماد، مجلسی و علامه حلی به توثیق او حکم کرده‌اند پس تضعیف شیخ طوسی کمرنگ و "محمد بن عیسی بن عبید یقطینی" توثیق می‌شود. (گیلانی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۵۶؛ شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۵۰۳) نراقی نیز گفته چهار نفر از رجالیون (فضل بن شاذان، کشی، قتیبی، نجاشی) او را توثیق و تنها دو نفر (طوسی و صدوق) او را تضعیف کرده‌اند بنابراین دو تا تضعیف دو تا توثیقات را از بین می‌برند و در نتیجه دو تا توثیق بدون معارض می‌مانند و راوی توثیق می‌شود. (نراقی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۱۷)

شیخ طوسی "سماعه بن مهران" را واقفی دانسته (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۳۷) ولی نجاشی او را توثیق کرده است. (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۹۳) عاملی گفته چون علاوه بر طوسی، صدوق نیز شهادت به واقفی بودن سماعه کرده پس نظر طوسی تقویت و در نتیجه حکم به واقفی بودن راوی می‌شود. (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۴۴)

### ۳-۶- ترجیح جرح بر تعدیل

راهکار دیگر عالمان رجال برای حل تعارض جرح و تعدیل، ترجیح جرح بر تعدیل است. صاحبان این نظر دلالتی برای این گفته بیان کرده‌اند از جمله این که جرح حکایت از امری پوشیده از حال راوی می‌کند ولی تعدیل تنها ظاهر حال راوی را

حکایتگر است. به عبارت دیگر معتقدند همراه جراح فزونی علم و آگاهی است که معدل بر آن واقف نبوده است چرا که معدل می گوید «من چیزی که او را تضعیف و جرح کند» ندیدم ولی جراح می گوید «معصیت از او دیدم» و واضح است که امر وجودی بر عدمی برتری دارد. (مازندرانی، بی تا، ص ۱۱۳؛ حسینی صدر، ۱۴۳۰ق، ص ۳۵۲) دلیل دیگر این است که با ترجیح جرح در واقع بین دو قول جمع صورت می گیرد. صاحب معالم در این باره می گوید: هرگاه جرح و تعدیل تعارض پیدا کنند اکثر مردم جرح را مقدم می دارند زیرا با این نحوه در واقع بین دو قول جمع می شود چون نهایت چیزی که معدل می گوید این است که «اطلاع نیافتیم» ولی جراح می گوید «آنچه را که تو از عدالت و ظاهر حال راوی خبر داده‌ای، من نیز می دانم؛ لیکن من در مورد وی چیزی را می دانم که بر تو مخفی مانده است» پس هرگاه به عدالت راوی حکم کنیم جراح دروغگو می شود ولی هرگاه حکم به فسق راوی دهیم هر دو (جراح و معدل) راستگو شده‌اند و جمع بین دو قول بهتر از اتخاذ یکی از اقوال است. (صاحب معالم، بی تا، ص ۲۰۷) دلیل سوم غلبه فسق در مردم است که باعث می شود جرح در دل انسان قابل قبول تر باشد و بر ظن انسان غلبه یابد، چرا که فرد را باید به اعمّ اغلب ملحق کرد. (خاقانی، ۱۳۶۲ش، ص ۵۷) این دیدگاه، نظر غالب رجالیان شیعه و سنی هست اما برخی بر آن اشکال کرده‌اند که این نظر، در صورتی درست است که تعدیل به معنای ظاهر اسلام باشد اما اگر به معنای ملکه باشد تعدیل نیز حکایت از امر پوشیده می کند و دیگر ترجیح جرح محل اشکال می باشد. (خاقانی، ۱۳۶۲ش، ص ۵۸؛ مامقانی، بی تا، ج ۳، ص ۶۴) اشکال دیگر این است که اگر در همه جا و بدون رعایت هیچ ضابطه دیگری بخواهیم همواره جرح را بر تعدیل اولویت دهیم، آنگاه عملاً کسی از جرح سالم نمی ماند و اصولاً مسئله حجیت احادیث با مشکل مواجه می شود. (عزیزی، ۱۳۹۳ش، ص ۶۳) برخی برای اینکه این نظر را متعادل تر کنند گفته‌اند جرح تنها در صورتی که مفسّر باشد بر تعدیل برتری دارد. اردبیلی نیز گفته قول جراح در صورتی مقدم می شود که تصدیق قول وی تکذیب قول معدل نباشد. (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۶۷) محققان دیگری می گویند: جرح فقط هنگامی بر تعدیل مقدم است که جراح و معدل مساوی باشند، نه در همه موارد. و ظاهراً منظور ایشان از عدم تساوی از حیث کثرت جارحان و معدلان است. (کلباسی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۵؛ بحرالعلوم، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ص ۲۵۹) ضابطه دیگر این است که: جرح تنها در صورتی بر تعدیل مقدم می شود که مستند به سببی که فسادش معلوم بوده نباشد. (راضی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۸) این افراد در تعارض اقوال نجاشی و شیخ طوسی، نیز به همین منوال عمل کرده و جرح را خواه سخن نجاشی باشد یا طوسی مقدم داشته‌اند. در زیر به برخی موارد که علماء جرح را بر تعدیل مقدم داشته‌اند، اشاره می شود:

"محمد بن خالد برقی" را نجاشی شخصی ادیب، آشنا به اخبار و علوم عرب اما ضعیف در حدیث دانسته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۳۵) ولی شیخ طوسی او را توثیق کرده است. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۶۳) شهید ثانی را اعتقاد بر آن است در مواقع تعارض جرح و تعدیل، جرح مقدم می باشد، در مورد برقی هم گفته جرح نجاشی بر تعدیل طوسی مقدم می باشد بنابراین برقی از نظر روایی نامعتبر می باشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۴۶۷) مازندرانی نیز می گوید در مواقع تعارض، جرح مقدم می باشد مخصوصاً اگر جراح شخصی مثل نجاشی باشد که ید طولایی و تبخّر خاصی در علم رجال دارد. (مازندرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۶۳)

"داودبن کثیر" را نجاشی تضعیف کرده (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۵۶) ولی شیخ طوسی او را توثیق کرده است. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۳۶) شیخ بهائی گفته در هنگامه تعارض جرح و تعدیل، جرح مطلقاً مقدم می‌باشد در مورد "داودبن کثیر" نیز جرح نجاشی را بر تعدیل طوسی مقدم داشته و راوی را تضعیف کرده است. (بهائی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۲)

### ۳-۷- توجیه و تاویل

راهکار دیگری که گروهی از محققان برای سازش بین اقوال متعارض نجاشی و شیخ طوسی بکار گرفته‌اند توجیه و تفسیر یکی از اقوال برای سازش و مخالفت نداشتن با قول دیگری است. و معمولاً تضعیف و جرح را طوری تفسیر می‌کنند که با توثیق مخالفتی نداشته باشد. در زیر نمونه‌های از این گونه مواجهه گزارش می‌شود:

"جعفر بن محمد بن مالک" را نجاشی تضعیف (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۲۲) ولی شیخ طوسی او را توثیق کرده است. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۴۱۸) مامقانی برای حل تعارض بین تضعیف نجاشی و توثیق شیخ طوسی متوسل به توجیه و تاویل شده است بدین گونه که تضعیف نجاشی را حمل بر این کرده که چون "جعفر بن محمد بن مالک" روایاتی از معجزات ائمه (ع) نقل کرده و مطالبی گفته که متقدمان آنها را غالی‌گری می‌دانستند ولی در حال حاضر آن مسائل جزء ضروریات مذهب می‌باشند بنابراین تضعیف نجاشی به روایات منقول از وی یا به عقیده راوی برمی‌گردد و متوجه اخلاقیات (صداقت) وی نمی‌شود. بنابراین تعارضی بین قول نجاشی و شیخ طوسی نیست و راوی ثقة می‌باشد. (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ج ۱۶، ص ۴۴)

"محمد بن خالد برقی" را نجاشی ضعیف در حدیث دانسته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۳۵) ولی شیخ طوسی او را توثیق کرده است. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۶۳) محقق سبزواری برای برطرف کردن تعارض، سخن نجاشی را به تاویل برده که منظور از "ضعیف الحدیث" ضعف و قدح خود برقی نیست که با توثیق طوسی از وی در تعارض باشد بلکه به معنای نقل کردن از ضعیفاء و اعتماد بر مرسلات هست. سپس گفته آنچه که این مطلب را تایید می‌کند سخن ابن غضائری می‌باشد که در شرح حال برقی گفته "یروی عن الضعفاء کثیرا و یعتمد المراسیل" بنابراین احتمالاً سخن نجاشی نیز ناظر به همین مطلب باشد. در نتیجه بین سخن نجاشی و طوسی تعارضی پیش نمی‌آید. (سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج ۱، ص ۳۹)

### ۴- آصف محسنی و تعارضات نجاشی و طوسی

بعد از آن که شیوه مواجهه اندیشه‌وران با تعارضات نجاشی و طوسی بررسی شد، در این قسمت چگونگی تعامل آصف-محسنی را بررسی خواهیم کرد به همین خاطر ابتداء دیدگاه وی درباره چرایی تعارض در آراء نجاشی و طوسی را بیان سپس شیوه مواجهه‌اش با تعارضات بررسی خواهد شد.

### ۴-۱- دلایل تعارض نجاشی و طوسی از نظر آصف محسنی

آصف محسنی چند دلیل برای بروز تعارض در توثیق و تضعیف‌های نجاشی و شیخ طوسی مطرح کرده است. از جمله:



الف) هر یک از شیخ طوسی و نجاشی در جرح و تعدیل مبانی خاص و منحصر به فرد خود را داشته‌اند و همین متفاوت بودن مبانی، باعث بروز تعارض میان دیدگاه‌های آنها شده است. (محسنی، ۱۴۳۲ق، ص ۵۶)

ب) همه‌ی توثیق و تضعیف‌ها با نقل متواتر به شیخ طوسی و نجاشی نرسیده‌اند و این امر دلیل دیگری برای متعارض شدن برخی نظرات رجالی این دو شده است چرا که اگر با نقل متواتر به آنها می‌رسید اختلاف واقع نمی‌شد. (همان، ص ۵۴)

ج) وثاقت و کذب از صفات پایدار و ثابت در راویان نبوده که دچار زوال و دگرگونی نشود بلکه چه بسا اخلاقیات یک راوی با گذشت زمان تغییر کند و در عقائد وی نیز دگرگونی رخ دهد همانطور که برخی راویان در یک برهه زمانی در استقامت عقیده به سر برده و سپس منحرف شده‌اند یا برعکس. بنابراین گزارش و خبری که به شیخ طوسی و نجاشی رسیده برخی مواقع متفاوت بوده، یکی مربوط به قبل انحراف بوده و دیگری زمان استقامت وی را بیان کرده است. (محسنی، ۱۳۹۴ش، ص ۹۸؛ همان، ۱۴۳۲ق، ص ۱۶۷)

د) غالب توثیق و تضعیف‌های نجاشی و شیخ طوسی از روی حس و حکایت بوده ولی برخی آراء رجالی آنها نیز حدسی و ناشی از اجتهادشان بوده است بدین گونه که با توجه به کتب و روایات راوی در مورد وی نظر داده‌اند این مطلب در مورد شیخ طوسی نمود بیشتری دارد که اشتغال بیشتری به روایات داشته است. (محسنی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۴۳؛ محسنی، ۱۴۳۲ق، ص ۵۶؛ همان، ص ۵۸)

#### ۴-۲- نحوه تعامل آصف محسنی با تعارضات نجاشی و طوسی

بعد از آشنایی با شیوه تعامل اندیشه‌وران شیعه با تعارضات نجاشی و شیخ طوسی، نحوه مواجهه آصف محسنی از رجال-پژوهان معاصر با این تعارضات را بررسی خواهیم کرد. آصف محسنی از میان شیوه‌های بکار گرفته شده توسط رجالیان، از همگی استفاده کرده و تنها دو شیوه را به کار نگرفته است: یکی تقدیم جرح بر تعدیل و دیگری نظریه مشهور (ترجیح نجاشی بر طوسی). آصف محسنی بر این باور است که هیچ کدام از شیوه‌های مذکور، قوت و برجستگی لازم را نداشته تا به هنگام تعارض تنها بدان شیوه عمل بشود، دیگر آن که نحوه مواجهه با تعارضات نجاشی و شیخ طوسی، قاعده و قانون خاصی ندارد بلکه بستگی به استنباط و اطمینانی دارد که برای شخص مجتهد و رجال‌پژوه به وجود می‌آید. (محسنی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۳) در مورد یک راوی ممکن است نظر شیخ طوسی را ترجیح بدهد در مورد راوی دیگری ممکن است با قرائن موجود یکی از دو نظر (نجاشی یا طوسی) را برگزیند در مورد راوی سومی امکان دارد به دلیل نبود قرینه و ناتوانی در ترجیح یکی از نظرات متعارض، توقف کند. عبارت دیگر نحوه تعامل بر حسب راویان مختلف، متفاوت خواهد بود. اکنون به شیوه‌های مواجهه آصف محسنی با تعارضات نجاشی و شیخ طوسی می‌پردازیم:

نجاشی «عباد بن صهیب» را ثقه دانسته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۹۳) ولی طوسی او را عامی و بتری می‌داند (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۴۲) آصف محسنی بین دو نظر **جمع** کرده و او را موثق (ثقه عامی) می‌داند. (محسنی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۵۴)

«منصور بن یونس» را شیخ طوسی واقفی (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۴۳) ولی نجاشی او را ثقه به حساب آورده است. (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۰۹) آصف محسنی راوی مذکور را ضعیف می‌داند برای این ترجیح از **قرائن** بهره گرفته از جمله اینکه خشاب (رجالی قدماء) وی را جرح کرده همچنین در روایات آمده به اموال امام خیانت کرد و بخاطر اموال، امامت امام رضا(ع) را منکر شد. (محسنی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۰۲؛ همان، ۱۴۳۴ق، ج ۳، ص ۳۶۸)

«عثمان بن عیسی» را شیخ طوسی ثقه دانسته ولی نجاشی او را واقفی دانسته است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۰۰) آصف محسنی می‌گوید: در گذشته بین دو نظر **جمع** کرده و قائل به موثق بودن «ابن عیسی» بودم ولی بعدا به دلیل آگاهی بر **قرائن** متعدد، قائل به ضعیف بودن راوی شده‌ام. (محسنی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۸۷)

"سالم بن مکرم" را نجاشی ثقه (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۸۸) ولی شیخ طوسی او را ضعیف شمرده است. (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۲۶) آصف محسنی نظر نجاشی را از باب **تعدد رجالی** ترجیح داده چرا که به غیر از نجاشی رجالیان دیگری نیز مانند ابن فضال "سالم بن مکرم" را ستوده بنابراین نظرات آنها بر نظر شیخ به تنهایی ترجیح دارد. (محسنی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۸۸)

«محمد بن خالد برقی» را نجاشی شخصی ادیب، آشنا به اخبار و علوم عرب اما ضعیف در حدیث دانسته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۳۵) ولی شیخ طوسی او را توثیق کرده است. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۶۳) آصف محسنی **نظر شیخ طوسی** را بر نجاشی ترجیح داده و برقی را راوی معتبر به شمار آورده است. (محسنی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۴۶۱) البته دلیل این ترجیح را حالت نفسانی و اطمینانی که برای وی رخ داده، دانسته است. (محسنی، ۱۴۳۲ق، ص ۱۵۲)

"معلی بن خنیس" را نجاشی بسیار ضعیف و بی‌اعتماد دانسته است. (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۴۱۷) ولی شیخ او را مدح کرده و از کسانی می‌داند که در دستگاه و بیت امام صادق (ع) حضور و از وکلاء آن حضرت به حساب می‌آمده است. (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۴۷) آصف محسنی با استفاده از **قرائن**، تعدیل شیخ طوسی را محکم‌تر دانسته آنجا که گفته: روایات بسیاری که در مدح و نکوداشت وی وارد شده، دلالت بر عدالت وی می‌کند و با وجود این همه روایات نکوداشت به تضعیف نجاشی اعتنائی نمی‌شود. (محسنی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۵۸)

نجاشی «عبد الله بن اَبی زید» را راوی ثقه در حدیث دانسته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۳۲) ولی طوسی او را تضعیف کرده است (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۴۳۴) آصف محسنی چون قرائنی در اختیار نداشته که یکی را بر دیگری ترجیح بدهد و برای وی اطمینان ایجاد کند در مورد راوی **توقف** کرده و گفته اعتماد بر روایاتش مشکل بوده در نهایت روایاتش را از باب احتیاط می‌پذیریم. (محسنی، ۱۴۳۲ق، ص ۳۳۶)

"محمد بن عیسی بن عبید یقطینی" شیخ طوسی او را تضعیف دانسته و گفته صدوق وی را از رجال نوادر الحکمه استثناء کرده به همین خاطر به متفردات وی عمل نمی‌شود (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۹۱) ولی نجاشی او را ثقه، بیش روایت و از بزرگان اصحاب می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۳۳) آصف محسنی معتقد است هر چند سخن نجاشی و شیخ طوسی در مورد راوی

متعارض است اما چون اکثر رجالیون **(تعدد رجالی)** مانند فضل بن شاذان، ابن نوح به توثیق او حکم کرده‌اند پس تضعیف شیخ طوسی کمرنگ و "محمد بن عیسی بن عبید یقطینی" توثیق می‌شود. (محسنی، ۱۴۳۲ق، ص ۴۰۵)

سخن نجاشی و طوسی درباره «عبدالکریم خنعمی» متعارض بوده، نجاشی او را ثقه (ثقه ثقة عینا) دانسته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۴۵) طوسی او را واقفی خبیث محسوب کرده (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۳۹) آصف محسنی دیدگاه **نجاشی** را بر شیخ طوسی ترجیح داده و روایت راوی را پذیرفته است. (محسنی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۳)

نجاشی «عبد الله بن ابي زيد» را راوی ثقه در حدیث دانسته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۳۲) ولی طوسی او را تضعیف کرده است (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۴۳۴) آصف محسنی چون قرائنی در اختیار نداشته که یکی را بر دیگری ترجیح بدهد و برای وی اطمینان ایجاد کند در مورد راوی **توقف** کرده و گفته اعتماد بر روایاتش مشکل بوده در نهایت روایاتش را از باب احتیاط می‌پذیریم. (محسنی، ۱۴۳۲ق، ص ۳۳۶)

همانطور که مشاهده شد آصف محسنی در مورد راویان مختلف از شیوه‌های متفاوتی استفاده کرده است و علت این تنوع نیز به اطمینان نفسی برمی‌گردد که برای وی حاصل شده است در مورد یک راوی با جمع بین دو دیدگاه اطمینان برای او شکل گرفته در مورد راوی دیگری با قرائن موجود برتری یکی از نظرات برای او ثابت شده است. بنابراین از نظر آصف محسنی هیچ کدام از شیوه‌های مواجهه (جمع - قرائن - تعدد رجالی - تقدم جرح و... ) قوت لازم را نداشته تا هنگام مواجهه تنها بدان عمل شود بلکه متناسب با اطمینان حاصل شده برای پژوهشگر متفاوت خواهند بود.

## ۵- دلایل نظریه مشهور و نقد آصف محسنی

همانطور که گذشت اندیشه‌وران با شیوه‌ها و راهکارهای مختلفی در صدد رفع تعارض نظر نجاشی با شیخ طوسی برآمده‌اند. اما برجسته‌ترین این راهکارها در میان عالمان سرشناس دانش رجال، تقدّم رأی نجاشی بر نظر شیخ طوسی است. (فضلی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۲۹؛ رحمان ستایش، ۱۳۸۹ش، ص ۱۳۹) از این رو در سطور ذیل ابتداء دلایل علماء برای این برتری را بیان سپس نظر آصف محسنی و مناقشه وی در این باره را مطرح و در نهایت به ارزیابی نظرات خواهیم پرداخت.

## ۵-۱- مصاحبت با ابن غضائری و بهره‌گیری از وی

نجاشی مصاحب و هم‌دوره ابن غضائری (احمد بن حسین) بوده است. نجاشی خود به این مطلب اشاره کرده آنجا که در ترجمه "علی بن محمد بن شیران" می‌گوید: «کنا نجتمع معه عند أحمد بن الحسين» (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۶۹) در جای دیگری نیز بیان کرده که به همراه غضائری پسر کتاب النوادر را نزد غضائری پدر خوانده‌اند. (همان، ص ۸۳) نجاشی در موارد بسیاری، از ابن غضائری نقل قول کرده که غالباً آنها را با تعبیرهای «قال» و «ذکر» آورده است. سید بحر العلوم، این نقل قول‌ها را از مسموعات نجاشی و تعدادی را از خط نوشته‌های ابن غضائری دانسته است. (بحر العلوم، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۸۶) برخی این مصاحبت را موجب اطلاع و مهارت بیشتر نجاشی دانسته و آن را از مرجحات نظر نجاشی بر شیخ طوسی دانسته‌اند. (نوری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۴۹؛ فضلی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۳۲)

## ۵-۲- اضطراب شیخ در رجال

برخی از رجالیان بر کتب رجالی و آرای شیخ طوسی اشکال کرده‌اند به اینکه شیخ گاهی درباره یک شخص در کتاب-های متعدد یا در یک کتاب واحد، نظرات متعارضی داشته است یا اینکه گفته‌اند رجال شیخ انباشته از اغلاط و اشتباهات است که موجب تضعیف آرای وی می‌شود. (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۵؛ نمازی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۶۹؛ استرآبادی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۳۴۸؛ کنی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۰۴) این امر «فاضل خواجویی» را بر آن داشته تا آراء شیخ در رجال را فاقد اعتبار بداند و او را متهم به غفلت و فراموشی نماید. (خواجویی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۰۳) این موضوع یعنی تناقض گویی‌ها و کثرت اشتباهات شیخ از دیگر دلائلی است که برای ترجیح نظر نجاشی به آن استناد شده است.

## ۵-۳- تمرکز نجاشی در رجال

دلیل دیگری که برای تقدّم نظر نجاشی بر شیخ طوسی ذکر شده، این است که تخصص بارز نجاشی منحصر به علم رجال بوده است، حال آنکه شیخ طوسی عالمی متبحّر در علوم مختلف اسلامی همچون حدیث، رجال، فقه، اصول، کلام، تفسیر و ادبیات بوده و در تمامی این موضوعات تألیفاتی دارد. این امر خود موجب پراکندگی افکار او در موضوعات مختلف شده ولی بر عکس مهارت علمی نجاشی در دانش رجال متمرکز بوده و تألیفات او بیشتر با علم رجال مرتبط است. این تخصص می‌تواند دلیل ترجیح نظر نجاشی بر شیخ طوسی تلقی شود. (نوری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۴۹؛ بحرالعلوم، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۴۶؛ فضلی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۳۱)

## ۵-۴- دقت و ضبط نجاشی

شهید ثانی در مسالک الأفهام رأی نجاشی را بر شیخ طوسی به هنگام تعارض ترجیح داده است مستند وی دقت و ضبط آرای نجاشی در کتابش می‌باشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۶۷) شیخ محمد، فرزند صاحب معالم، درباره تعارض آراء نجاشی و شیخ طوسی می‌گوید: حق، این است که رأی شیخ با رأی نجاشی معارضه نمی‌کند؛ زیرا نجاشی دقیق‌تر از شیخ است. (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۱۰) اندیشه‌وران دیگری مانند صاحب معراج أهل الکمال، صاحب ریاض العلماء، محقق قمی، سید بحرالعلوم و سید عبد النبی جزائری نیز به دقت‌تر بودن نجاشی از تمام عالمان رجالی تصریح کرده‌اند. (بحرانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۰؛ افندی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳۹؛ قمی، ۱۳۷۸ش، ص ۴۷۶؛ بحرالعلوم، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۴۵؛ جزائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۲۵)

## ۵-۵- مناقشه آصف محسنی در نظریه مشهور

آصف محسنی معیار مذکور را مورد مناقشه قرار داده است و بیان داشته ملاک و معیار در نزد وی به هنگام تعارض جرح و تعدیل، اطمینان نفس می‌باشد و از آنجائی که دلائل پیش گفته برای ترجیح نجاشی بر طوسی، قوت لازم را نداشته است تا موجب حصول اطمینان به تقدم نظر نجاشی در نزد وی بشوند بنابراین نظریه مشهور را نپذیرفته و ادامه داده که دلائل ذکر شده در صورتی پذیرفتنی هستند که موجب اطمینان نفس شوند. آصف محسنی همچنین گفته بر فرض که تمامی دلائلی مطرح شده

برای تقدّم رأی نجاشی را بپذیریم باز هم باعث برتری نظر نجاشی بر طوسی نمی‌شوند چرا که دلیل شرعی و عقلانی برای ترجیح قول اضبط بر ضابط نداریم. اضبطیت در شهادت مطرح می‌شود نه در خبر و نبأ، حتی در شهادت نیز وجهی برای تقدّم شهادت یکی از این دو بر دیگری نیست چون هر دو ثقه هستند. به عبارت دیگر آصف محسنی به دلیل آنکه اعتبار قول رجالی را از باب خبر و نبأ می‌داند و معتقد است در نبأ و خبر، اضبطیت جزء مرجحات به حساب نمی‌آید. پس وجهی برای ترجیح قول نجاشی بر طوسی به سبب ضابط بودن نمی‌ماند. (محسنی، ۱۴۳۲ق، ص ۴۰) البته آصف محسنی در برخی مواقع به هنگام تعارض دیدگاه نجاشی و شیخ طوسی، نظر نجاشی را ترجیح داده است آن هم به دلیل قرآنی که موجب برتری نظر نجاشی شده است نه به سبب دلایل پیش گفته. برای مثال آصف محسنی به هنگام مواجهه با تعارض سخن نجاشی و طوسی درباره «عبدالکریم خثعمی» دیدگاه نجاشی را بر شیخ طوسی ترجیح داده و روایت راوی را پذیرفته است. (محسنی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۳)

## ۶- بررسی مناقشه آصف محسنی به نظریه مشهور

به نظر می‌رسد مناقشه آصف محسنی در نظریه مشهور بجا باشد و علاوه بر اشکال آصف محسنی اشکالات دیگری نیز به این نظریه وارد است همانطور که عالمان دیگری نیز همسو با آصف محسنی این نظر را مورد تردید قرار داده‌اند.

اینکه بحرالعلوم و دیگران گفته بودند مصاحبت با ابن غضائری سبب برتری نجاشی است را برخی از اندیشه‌وران نه تنها نپذیرفته بلکه به خاطر این مصاحبت جرح و تضعیفات نجاشی را مورد مناقشه قرار داده‌اند. چرا که معتقدند تضعیفات نجاشی متأثر از تضعیفات ابن غضائری است. شیخ السنند در این باره می‌گوید: نجاشی در مبانی رجالی خویش به خصوص در مبانی جرح متأثر از استادش ابن غضائری بوده که تضعیفات وی را با چالش و نقد جدی روبرو می‌کند. وی افزوده نجاشی راویانی را جرح کرده که اصحاب اجماع از آنها روایت داشته و بزرگانی مانند ابن فضال، صدوق، شیخ مفید و قمی‌ها آنها را توثیق کرده‌اند. نجاشی اعتماد آنها را ترک گفته و تنها به گفته ابن غضائری تکیه کرده است (السنند، ۱۴۳۱ق، صص ۲۹۸-۲۹۴) صاحب «معراج اهل الکمال» نیز همسو با شیخ السنند، جرح و تضعیف‌های نجاشی را قابل مناقشه دانسته، چرا که بسیاری از راویان موثق مانند "داود الرقی"؛ "جعفر بن محمد بن مالک" و "جابر الجعفی" را تضعیف کرده در حالی که این راویان از نظر داشت اندیشه‌وران شیعه در شمار ثقات به حساب می‌آیند. (بحرانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۶) مجلسی تضعیف شدن "جعفر بن محمد بن مالک" توسط نجاشی را مورد انتقاد قرار داده و آن را ناشی از اعتماد نجاشی بر ابن غضائری دانسته است. (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۳۳۸) مامقانی هر چند نجاشی را ضابط‌ترین رجالی می‌داند اما از آنجائی که "داود الرقی" را تضعیف کرده ابراز شکفتی نموده و علت مخالفت نجاشی با بزرگان در تضعیف "داود الرقی" را تکیه و اعتماد بر ابن غضائری دانسته است. (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ج ۲۶، ص ۲۷۲) در کتاب الذریعه بیان شده: غضائری پسر، همراه و مشارک نجاشی در قرائت بر غضائری پدر بوده است. این مشارکت و همراهی تاثیرپذیری نجاشی از ابن غضائری را تقویت می‌کند. (آقابزرگ طهرانی، بی تا، ج ۴، ص ۲۸۹) صاحب قاموس الرجال نیز اعتماد نجاشی بر ابن غضائری را مطرح کرده و به همین خاطر برخی تضعیفات وی را مورد مناقشه قرار داده است. شوشتری در چندین مورد، تضعیفات نجاشی را ناشی از دنباله‌روی و تکیه بر ابن غضائری دانسته از این

رو آن تضعیفات را نپسندیده و آنها را مورد نقد قرار داده است (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۵؛ ج ۸، ص ۱۶۵؛ ج ۱۰، ص ۲۱۴؛ ج ۱۲، ص ۴۳۴)

از دیگر دلایل ارائه شده برای تقدم نجاشی، اضطراب طوسی در رجال و اشتباهات متعدد وی در مورد برخی القاب و کنیه‌ها است. بایستی گفت شاید شیخ طوسی در مورد برخی القاب و کنیه‌ها دچار سهو شده باشد ولی در مورد اینکه برخی از روایان را در جایی توثیق و در جای دیگر تضعیف کرده است می‌توان گفت اتفاقاً این مطلب را می‌شود به گونه‌ای دیگری مطرح کرد و آن اینکه چنین روایانی احتمالاً جزء کسانی بوده که در انحراف از ائمه به سر برده و سپس برگشته یا اینکه ابتداء در استقامت بوده و سپس منحرف شده‌اند و شیخ طوسی نیز ممکن است ابتداء از استقامت اطلاع داشته و بعداً از انحراف وی خبردار شده است یا برعکس. همچنین در مورد اینکه برخی گفته‌اند رجال شیخ انباشته از اغلاط و رجال نجاشی حتی از یک اشتباه نیز عاری است. (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ج ۳۰، ص ۱۰۳) بهبهانی از برخی محققان نقل کرده که نجاشی را به کثرت غلط و اشتباه در کتاب رجال متهم کرده‌اند. (بهبهانی، بی‌تا، ص ۱۰۰) کلباسی بعد از آن که اشتباهات متعددی از نجاشی در رجالش را ذکر کرده گفته اشتباهات نجاشی نسبت به سایر رجالیان کمتر است. (کلباسی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۹۹) شبیری زنجانی گفته برخلاف آنچه مشهور شده و افراد مبتدی تصور می‌کنند نجاشی اشتباهات زیادی در مسائل رجالی دارد و سپس برخی اشتباهات وی را ذکر کرده است. (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۳۰۹۲)

دلیل سوم مطرح شده برای برتری نجاشی بر طوسی را تمرکز و تبصر نجاشی در رجال دانسته‌اند. یکی از اندیشه‌وران رجال این نظر را مورد مناقشه قرار داده با این استدلال که این تخصص و تبصر در جایی مانند اجتهاد و حدس کارساز است اما در جایی مانند شهادت که سالم بودن حواس و حافظه شرط است کارساز نیست چرا که شهادت با ادله قطعی، حجت است خواه شاهد تنها متخصص در رجال باشد یا در سایر علوم نیز تبصر داشته باشد. (السنند، ۱۴۳۱ق، ص ۳۰۰) همین شخص در جای دیگری مسلک و مشرب کلامی نجاشی را نزدیک به ظاهریه و قشریه دانسته است چرا که معتقد است نجاشی به دلیل عدم آگاهی نسبت به ظرافت‌ها و نکات موجود در روایات نتوانسته موضعگیری مناسبی نسبت به روایات اهل بیت اتخاذ کند و در مواردی روایان را به سهولت، متهم به غالی‌گری، تفویض و انحراف کرده است در حالی که تنها ایراد راوی نقل روایاتی بوده که جزء مسلمات مذهب شیعه هستند اما مشرب کلامی نجاشی چنین روایاتی را بر نتاییده است. به عبارت دیگر چنین می‌بیند که تمرکز نجاشی در رجال نه تنها مزیتی برای او محسوب نمی‌شود بلکه عدم آگاهی‌اش نسبت به سایر علوم برای وی مشکل‌ساز بوده و او را به قضاوت نادرست در مورد روایان واداشته است. (همان، ص ۳۰۲)

در مقابل بحرالعلوم و دیگران که نجاشی را ضابط‌تر دانسته بودند گروه دیگری شیخ طوسی را ضابط و دقیق‌تر دانسته‌اند. از جمله این افراد، محدث جزایری در غایه المرام است که در موضوع تعارض رأی نجاشی و رأی شیخ طوسی در مورد سالم بن مکرّم، بدون هیچ شک و شبهه‌ای، شیخ طوسی را اثبت و دقیق‌تر دانسته است (جزائری، مخطوط) صاحب نهاییه الدراییه نیز گفتار کسانی که نجاشی را در رجال خبره و دقیق‌تر دانسته‌اند ردّ کرده و گفته: «الشیخ أشدّ مراساً فی ذلک من النجاشی؛ شیخ طوسی در رجال از نجاشی نیرومندتر است» (صدر، بی‌تا، ص ۳۸۴)

همانطور که گذشت، دلایل مطرح شده از سوی عالمان برای برتری نجاشی از استحکام و قوت لازم برخوردار نبوده که بتواند در مقام معارضه بر طوسی غلبه پیدا کند. علاوه بر آن یکی از پژوهشگران معاصر سه اشکال عمده بر رجال نجاشی وارد کرده است:

الف) منابع رجالی نزدیک به نجاشی مانند «معالم العلمای» ابن شهر آشوب، «فهرست» منتجب الدین، «سراثر» ابن ادریس، «النقض» عبدالجلیل قزوینی خالی از هرگونه اطلاعات درباره نجاشی هستند. فراتر از آن حتی در کتب فهرستی متقدم اهل سنت نیز اثری از نجاشی نیست. این روند ادامه داشته تا اینکه بعد از حدود دو قرن برای اولین بار سیدبن طاووس نجاشی را به بزرگواری یاد کرده است.

ب) نجاشی با تکیه و اعتماد بر عده‌ای اساتیدش از اهل سنت روایانی را تضعیف کرده که رجالیان شیعه آنان را تضعیف نکرده یا اینکه روایانی را توثیق کرده که از دشمنان اهل بیت و از نواصب بوده‌اند.

ج) رجال نجاشی طرقی متصل و صحیح دارد اما به حد استفاضه نمی‌رسد. (عظیمی، [www.academia.edu](http://www.academia.edu))

بنابراین می‌توان گفت نظریه تقدّم نجاشی بر شیخ طوسی در مقام معارضه، نه تنها از قوت لازم برخوردار نبوده بلکه با اشکالات جدی مواجه است گذشته از آن، رجال نجاشی نیز با تعدادی اشکالات روبروست که آرائش را با چالش روبرو می‌کند. دیگر آنکه استفاده از شیوه‌های مختلف توسط علماء برای حل تعارض نجاشی با طوسی خود گواه بر آن است که در نزد رجالیان، نظریه تقدم دارای استحکام لازم نبوده است.

### نتایج:

۱- عالمان رجالی از شیوه‌های متعددی برای حل تعارض نجاشی و شیخ طوسی بهره گرفته‌اند که از جمله این قرائن می‌توان به ترجیح نجاشی، پذیرش رأی اکثر رجالی‌ها، بهره‌گیری از قرائن و ترجیح جرح بر تعدیل اشاره کرد.

۲- آصف محسنی از همگی شیوه‌های بکار گرفته توسط رجالیان بجز دو مورد بهره گرفته است. از نظر آصف محسنی نحوه مواجهه با تعارضات نجاشی و شیخ طوسی، قاعده و قانون خاصی ندارد بلکه بستگی به استنباط و اطمینانی دارد که برای شخص مجتهد و رجال پژوه به وجود می‌آید.

۳- از نظر آصف محسنی دلایلی که برای ترجیح آراء نجاشی بر شیخ طوسی از جانب عالمان رجالی ارائه شده بود مانند دقت و ضبط نجاشی، تمرکز نجاشی در رجال، اضطراب شیخ در رجال و مصاحبت با ابن غضائری از قوت لازم برخوردار نبوده و با تکیه بر آنها نمی‌توان رأی و نظر نجاشی را بر طوسی مقدم داشت.

۴- بهترین شیوه تعامل با تعارضات نجاشی و طوسی انباشت قرائن برای ترجیح یکی از دو نظر می‌باشد و اینکه نحوه تعامل نسبت به روایان مختلف بر حسب اطمینانی که برای پژوهشگر حاصل می‌شود متفاوت خواهد بود.

## منابع و مأخذ:

- آقا بزرك طهرانى (بى تا)، *الذريعة إلى تصانيف الشيعة*، بيروت: دار الاضواء.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، *مجمع الفائدة و البرهان فى شرح إرشاد الأذهان*، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- اردبیلی، محمد بن على (۱۴۰۳ق)، *جامع الرواة و ازاخه الاشتباهات عن الطرق و الأسناد*، بيروت: دار الأضواء.
- استرآبادى، محمد بن على (۱۴۲۲ق)، *منهج المقال فى تحقيق أحوال الرجال*، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- استهاردى، على پناه (۱۴۱۷ق)، *مدارك العروة (للإشتهاردى)*، تهران: دار الأسوة للطباعة و النشر.
- افندى، ميرزا عبدالله (۱۴۱۰ق)، *رياض العلماء و حياض الفضلاء*، بتحقيق: سيد أحمد حسيني، قم: مكتبة آية الله المرعشى.
- بحر العلوم، محمد مهدي (۱۳۶۳ش)، *رجال السيد بحر العلوم «المعروف بالفوائد الرجالية»*، تهران: مكتبة الصادق (ع).
- بحراني، سليمان (۱۴۱۲ق)، *معراج أهل الكمال إلى معرفة الرجال*، بی جا: عبدالزهراء العويناتى.
- جزائرى، سيد نعمت الله (بى تا)، *غايه المرام فى شرح تهذيب الاحكام*، مخطوط.
- جزائرى، عبدالنبى (۱۴۱۸ق)، *حاوى الأقوال فى معرفة الرجال*، تحقيق: مؤسسه الهداية لإحياء التراث.
- حافظيان، ابو الفضل (۱۳۸۲ش)، *رسائل فى درايه الحديث*، قم: دار الحديث.
- حسينى صدر، على (۱۴۳۰ق)، *الفوائد الرجالية (حسينى صدر)*، قم: دليل ما.
- خاقانى، على بن حسين (۱۳۶۲ش)، *رجال الخاقانى*، قم: مكتب الإعلام الإسلامى.
- خواجويى، اسماعيل (۱۴۱۳ق)، *الفوائد الرجالية*، بتحقيق: مهدى رجايى، مشهد: آستانه الرضوية المقدسه، مجمع البحوث الإسلاميه.
- خويى (۱۴۱۸ق)، سيد ابو القاسم، *موسوعة الإمام الخوئى*، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئى.
- راضى (۱۴۲۱ق)، حسين، *تاريخ علم الرجال و أهميه رجال النجاشى*، بيروت: مؤسسه البلاغ.
- رحمان ستايش، محمد كاظم (۱۳۸۹ش)، *آشنایى با دانش و منابع رجالی شيعه*، دانشكده مجازى قرآن و حديث.
- زنجانى، سيد موسى (۱۴۱۹ق)، *كتاب تكاح (زنجانى)*، قم: مؤسسه پژوهشى راي پرداز.
- سبزوارى، محمد باقر (۱۲۴۷ق)، *ذخيره المعاد فى شرح الإرشاد*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- سند، محمد (۱۴۳۱ق)، *الاجتهاد و التقليد فى علم الرجال و اثره فى التراث العقائدى*، قم: باقيات.
- سند، محمد (۱۴۲۹ق)، *بحوث فى مباني علم الرجال*، قم.
- شوشترى، محمد تقى (۱۴۱۰ق)، *قاموس الرجال*، بتحقيق: مؤسسه النشر الإسلامى، قم: جماعة المدرسين فى الحوزة العلميه بقم.
- شهيد ثانى، زين الدين بن على (۱۴۱۳ق)، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسه المعارف الإسلاميه.
- شيخ بهائى (۱۳۹۰ق)، *الوجيزه فى علم الدرايه*، قم: بصيرتى.



- شيخ بهائي (بي تا)، **معالم الدين و ملاذ المجتهدين**، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم. صدر، سيد حسن (بي تا)، **نهايه الدرايه**، بتحقيق: ماجد الغرباوي، قم: نشر المشعر.
- طوسي، محمد بن حسن (١٣٩٠ق)، **الاستبصار فيما اختلف من الاخبار**، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- طوسي، محمد بن حسن (١٣٧٣ش)، **رجال الطوسي (جامعه مدرسين)**، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- طوسي، محمد بن حسن (١٤١٧ق)، **العدة في أصول الفقه**، بتحقيق: محمد رضا الأنصاري، قم: المطبعة ستاره.
- طوسي، محمد بن حسن (١٤١١ق)، **الغيبه (للطوسي) / كتاب الغيبه للحجة**، قم: دار المعارف الإسلامية.
- طوسي، محمد بن حسن (١٤٢٠ق)، **فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول**، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.
- عاملی، سيد جواد (بي تا)، **مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة**، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- عاملی، محمد بن حسن (١٤١٩ق)، **استقصاء الاعتبار في شرح الاستبصار**، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- عاملی، محمد بن علي (١٤١١ق)، **مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام**، لبنان: مؤسسه آل البيت (ع).
- عاملی، مير سيد احمد (بي تا)، **مناهج الأخيار في شرح الاستبصار**، قم: مؤسسه اسماعيليان.
- عزيزی، سيد مجتبی، ميشم مطيعی، **مبنای ملاک های ترجیح اقوال رجاليون در تعارض جرح و تعديل**، حديث- پژوهی، شماره ١١، ١٣٩٣ش، صص ٤٩-٨٤.
- عظیمی، حمید، **نگاهی بر وثاقت ابوالعباس نجاشی**، [www.academia.edu](http://www.academia.edu)
- فضلی، عبدالهادی (١٤٣٠ق)، **اصول علم الرجال**، بيروت: مركز الغدير للدراسات و النشر و التوزيع.
- قمی، ابوالقاسم (١٣٧٨ق)، **قوانين الأصول**، تهران.
- قمی، محمد مؤمن (١٤٢٥ق)، **الولاية الإلهية الإسلامية أو الحكومة الإسلامية**، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- كلباسی، ابوالهدی (١٤١٩ق)، **سماء المقال في علم الرجال**، قم: مؤسسه ولی العصر (ع) للدراسات الإسلامية.
- كلباسی، محمد (١٤٢٢ق)، **الرسائل الرجالية**، بتحقيق: محمد حسين درایتی، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحديث، سازمان چاپ و نشر.
- کنی تهرانی، علی (١٤٢١ق)، **توضیح المقال في علم الرجال**، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحديث.
- گیلانی، سيد محمد باقر (١٤٢٧ق)، **مقاله في تحقيق إقامة الحدود في هذه الأعصار**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علميه قم.
- مازندرانی، (محمد) اسماعیل (١٤١١ق)، **الرسائل الفقهية (للخواجوي)**، قم: دار الكتاب الإسلامي.
- مازندرانی، علی اکبر (بي تا)، **مقياس الرواة**، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.

- مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ق)، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق)، *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- محسنی، محمد آصف (۱۴۳۰ق)، *الأحادیث المعتمده فی جامع أحادیث الشیعه*، قم: صبح صادق.
- محسنی، محمد آصف (۱۴۳۲ق)، *بحوث فی علم الرجال*، قم: مرکز المصطفی العالمی.
- محسنی، محمد آصف (۱۳۹۴ش)، *بدایه علم الرجال*، قم: نشر ادیان.
- محسنی، محمد آصف (۱۴۲۹ق)، *حدود الشریعه*، قم: بوستان کتاب قم.
- محسنی، محمد آصف (۱۴۲۶ق)، *الفقه و مسائل طبیه*، قم: بوستان کتاب قم.
- محسنی، محمد آصف (۱۴۲۳ق)، *مشرعه بحار الأنوار*، قم: مکتبه عزیزی.
- محسنی، محمد آصف (۱۴۳۴ق)، *معجم الأحادیث المعتمده*، قم: نشر ادیان.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، *رجال النجاشی*، قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، *مستند الشیعه فی أحكام الشریعه*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- نراقی، میرزا ابو القاسم بن محمد بن احمد (۱۴۲۲ق)، *شعب المقال فی درجات الرجال*، قم: کنگره بزرگداشت نراقی.
- نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۴ق)، *مستدرکات علم رجال الحدیث*، تهران: فرزند مولف.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۱۷ق)، *خاتمه المستدرک*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).